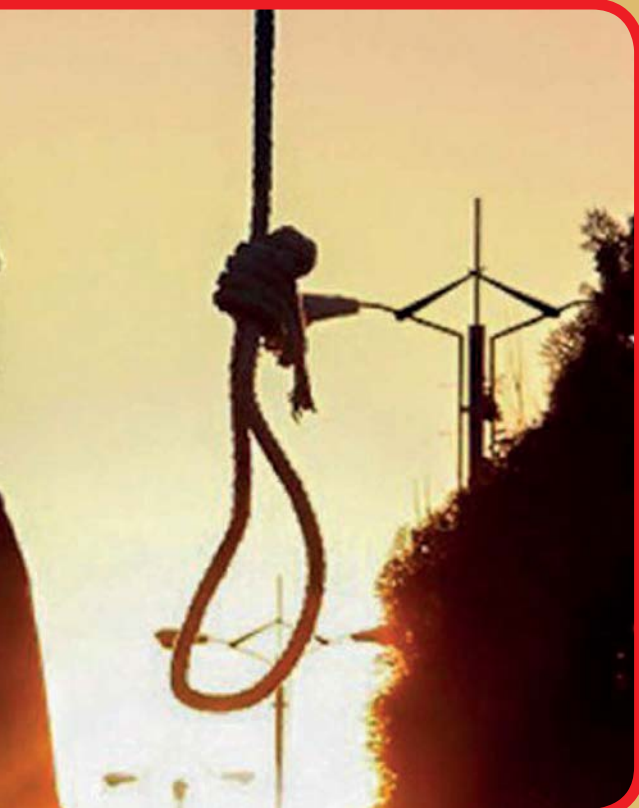


# حرمت‌های

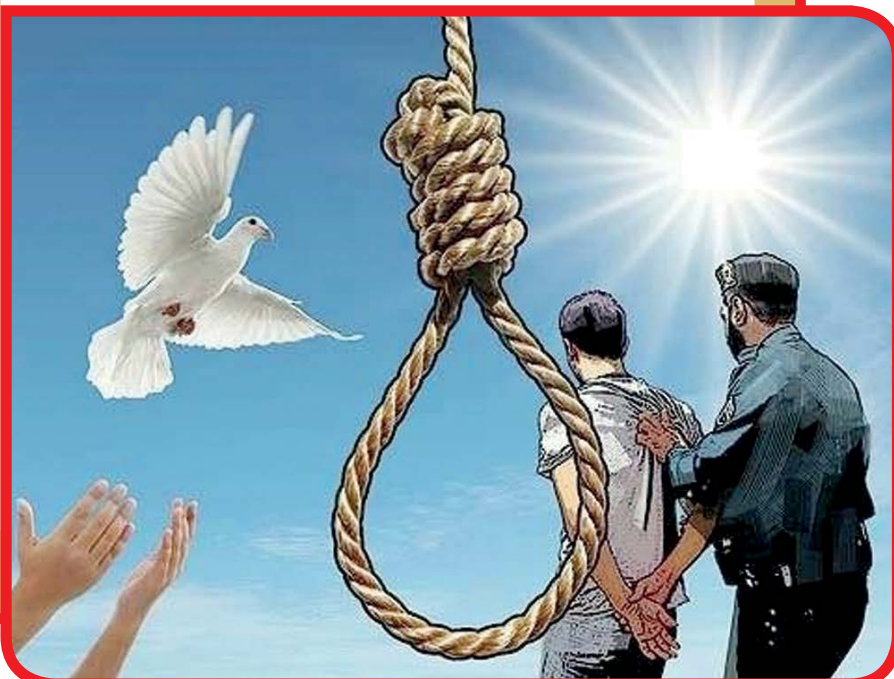


## به حرمت جوانِ امام حسین (ع)، قاتلِ پسرِ ما بخشیدیم

دی‌ماه سال ۸۷ پلیس از مرگ مشکوک پسر جوانی در بیمارستان باخیر شد. با حضور ماموران مشخص شد پسر ۲۳ ساله‌ای به اسم جلیل به علت اصابت ۲۱ ضربه چاقو به قتل رسیده است. در تحقیقات اولیه مشخص شد مقتول با همکاری یک کارگاه فرغون‌سازی در جاده رباط کریم درگیر شده و قاتل که اسماعیل نام دارد، پس از قتل فرار کرده است. چند روز بعد اسماعیل دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد. او گفت جلیل در کارگاه با یک پسر افغان درگیر شد که به او تذکر دادم و با هم درگیر شدیم. عصر باز هم مشاجره کردیم که کار به درگیری کشید. من هم از ترسم چند چاقو به شکم او زدم و فرار کردم. با اعترافات قاتل، پدر و مادر جلیل درخواست قصاص اسماعیل را کردند. سرانجام روز ۲۰ خرداد ۹۴ اسماعیل برای اعدام پای چوبه‌دار رفت. تلاش‌ها برای اعلام گذشت بی‌فایده بود اما مسئولان قضایی تلاشی‌شان را ادامه دادند. پسر جوان وقتی طناب دار را از دور دید پاهایش سست شد. با همکاری سربازان زندان در محل اجرای حکم قرار گرفت و طناب دور گردنش انداخته شد. پدر پیر مقتول به سمت قاتل رفت. همه فکر می‌کردند الان با زدن چهارپایه جان قاتل را می‌گیرد و زندگی اسماعیل همین جا تمام می‌شود. پیرمرد وقتی به قاتل رسید با دستانی لرزان طناب دار را از گردن قاتل پسرش بیرون آورد و مادر مقتول فریاد زد به حرمت علی‌اکبر حسین (ع) قاتل پسر ما را بخشیدیم.

## بخشیدیم تا شرم‌نده امام رضا (ع) نشوم

آذر سال ۹۱ مرد مبل‌فروش برای گرفتن طلبش با خریدار صحبت کرد اما مرد بدهکار از پرداخت بدهی هشت میلیونی‌اش طفره می‌رفت. او سرانجام برای گرفتن طلبش با بدهکار قرار گذاشت. وقتی مرد مبل‌فروش برای وصول طلبش، سر قرار حاضر شد مرد بدهکار با چاقو او را به قتل رساند و فرار کرد. سرانجام قاتل مرد ۳۹ ساله دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد. او مدعی شد: «یک مبل هشت میلیونی تومانی را با چک از اسدا... خریدم اما پولی برای پرداخت نداشتم، او چند بار تماس گرفت تا پولش را پس بگیرد. از تماس‌ها و تهدیدهایش خسته شده بودم، او را سر قرار صوری کشاندم و با چند ضربه چاقو به قتل رساندم». با اعترافات قاتل او به قصاص محکوم شد. مرداد سال ۹۶ و پنج سال پس از گذشت قتل، مادر اسدا... به خاطر یتیم شدن دو نوه‌اش درخواست قصاص کرد و قاتل ۳۳ ساله آماده اجرای حکم قصاص شد. در دهه کرامت کاروان خادمان امام رضا (ع) به شهر ایلخچی در آذربایجان شرقی رفتند و امام جمعه شهر از خادمان خواست به دیدن خانواده مقتول بروند اما مادر اسدا... که نمی‌خواست خادمان را شرم‌نده کند، ابتدا از دیدار با آنها خودداری کرد اما ساعتی بعد خادمان به خانه او رفتند. مادر مقتول با دیدن پرچم حرم، دقایقی را با پرچم در اتاقی تنها ماند و دردل کرد، وقتی بیرون آمد کسی انتظار بخشش نداشت. دو ساعت بعد مادر با خادمان تماس گرفت و از بخشش قاتل فرزندش به احترام امام هشتم خبر داد. با اعلام رضایت، جوان ۳۳ ساله که به دلیل اختلافات مالی مرتکب قتل شده بود از چوبه‌دار رهایی یافت. مادر مقتول بعد از این بخشش درباره آن گفت: وقتی برای بخشش، خادمان امام رضا (ع) پا درمیانی کردند تصمیم به بخشش گرفتم تا شرم‌نده امام هشتم نشوم.



## به احترام ایام فاطمیه

تازه به دانشگاه رفته بود و پدر و مادر میان سالش خوشحال بودند محمد حسین دانشجویست و در فکر تحقق رویای دامادی او بودند، اما سال ۹۶ پسر ۲۰ ساله در یکی از خیابان‌های رفسنجان با پسری ۲۴ ساله درگیر می‌شود و با ضربات چاقو به قتل می‌رسد. قاتل در جلسه دادگاه به قتل اعتراف و جزئیات قتل را تشریح کرد، قضات دادگاه هم او را به قصاص محکوم کردند. روزها برای قاتل مثل باد می‌گذشت تا این‌که در ایام فاطمیه امسال مادر محمد حسین اعلام کرد می‌خواهد از قصاص قاتل فرزندش گذشت کند. او پس از مشورت با همسرش این تصمیم را به مسئولان قضایی اعلام کرد و سرانجام اول بهمن امسال قاتل که ۲۷ ساله شده بود از مرگ نجات یافت. مادر محمد حسین گفت: قاتل را به حرمت حضرت فاطمه (س) و ایام فاطمیه بخشیدیم. وقتی در دلم او را عفو کردم حالم خیلی خوب شد. دوست نداشتم یک پدر و مادر دیگر هم مثل من داغ جوان‌شان را ببینند و عاملش من باشم. او را به حرمت حضرت زهرا (س) بخشیدم و از قصاصش گذشت کردم.

مادر در خانه منتظر احسان بود که با نان برگردد و ناهار بخورند اما هرچه منتظر شد از پسر جوانش خبری نشد. دلش مثل سیر و سرکه می‌جوشید. دیگر طاقت نیاورد، چادر سر کرد و از خانه بیرون رفت. مقابل کوچه شلوغ بود. یکی از زن‌های همسایه با دیدن او به سمتش آمد. سعی کرد سدراهش شود اما حسی به مادر می‌گفت، اتفاقی برای احسان افتاده، جمعیت را شکافت و با صحنه‌ای روبه‌رو شد که باورش سخت بود. پسر جوانش غرق در خون روی زمین افتاده بود. چند نفر هم پسر جوانی را دوره کرده بودند و سعی می‌کردند مانع فرارش شوند. روزها می‌گذشت و داغ احسان هنوز بر دل مادر تازه مانده بود. فقط قصاص آرامش می‌کرد. چند بار خانواده مقتول برای رضایت آمدند اما آنها را به خانه راه نداد. برای سحرگاهی که

امیر علی  
حقیقت طلب  
تیش

سال  
شد و  
رخ‌ده  
بود.  
خ.  
همزم  
موضو  
فردا با  
خانوا  
تومان  
به خان  
اعضای  
دادند  
گذران  
روبه‌رو  
خادم  
رضایت